

چرا عطایای موقتی (معجزه آمیز) اتمام یافت؟

آیه حفظی: اول قرن‌تینان ۱۳: ۸

خواندن کلام خدا: اول قرن‌تینان ۱۲: ۱-۱۱ و رومیان ۱۲: ۳-۸

هدف: اینست که تعالیم کلیسای پنطیکاست را بیازماییم و از آنها آگاه شویم.

مقدمه: کلیساهای پنطیکاست ادعا می‌کنند که تمامی عطایا را دارا هستند و می‌توانند معجزات از خود نشان دهند. آنها می‌گویند که ایمانداران می‌توانند به بالاترین سطح قدوسیت و کاملیت برسند. کلیساهای پنطیکاست، کلیسایی هستند که به سرعت افزوده و در شماره زیادتر می‌شوند. بزرگترین کلیساها در سنگاپور و آمریکا و فیجی و استرالیا و کره جنوبی (۸۰۰۰۰۰ اعضا) و حتی بیشترین کلیساهای فارسی زبان در سراسر دنیا کلیسای پنطیکاستی هستند که نمی‌توان انکار کرد. آنها از طریق رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها فعالیت خود را انجام می‌دهند.

دعا کردن به زبانها به کلیساهای مختلف نیز سرایت کرده است، از جمله کلیسای کاتولیک، انجلیکان، و غیره. موزیک‌های دنیوی کلیسای پنطیکاست مورد جذب جوانان شده است. معجزات کلیسای پنطیکاست مورد علاقه پیر مردها و پیر زنان و تمامی بیماران شده است. برنامه‌های مختلف در کانون شادی کلیسای پنطیکاست، کودکان را به خود جذب کرده است. پنطیکاست‌ها ما را مورد سرزنش قرار می‌دهند و می‌گویند که ما به معجزات اعتقاد نداریم.

نوع عطایا

عطایا در کلام خدا گوناگون هستند. بعضی از آنها غیر طبیعی و معجزه آمیز بودند اما برخی‌های دیگر معمولی. عطایای غیر طبیعی موقتی بودند اما عطایای معمولی دائمی. خداوند عطایای موقتی را به رسولان داده بود که عطایای ویژه بودند. اما عطایای معمولی را به همه ایمانداران داده است.

نوع عطایای غیر طبیعی: اول قرن‌تینان ۱۲: ۴-۱۱

۱. **عطیه شفای مریضان:** بدون درمان کردن و بدون نیاز به زمان، رسولان می‌توانستند مریضان را بلافاصله شفا دهند.
۲. **عطیه معجزات:** انجام عمل غیر عادی که خلاف قانون طبیعت است. مانند تبدیل کردن آب به خون و غیره
۳. **عطیه سخن گفتن به زبانها:** به زبانی سخن می‌گفتند که مردم کشورهای مختلف می‌توانستند معنی آن را درک کنند.
۴. **عطیه علم:** رسولان و پیامبران می‌توانستند افکار مردم را بخوانند و درباره آینده آنها پیشگویی کنند.
۵. **عطیه نبوت:** رسولان کلام خدا را با هدایت روح القدس نبوت کرده، در کتابی می‌نوشتند.

نوع عطایای معمولی: اول قرن‌تینان ۱۲: ۴-۱۱ و رومیان ۱۲: ۶-۸

۱. **عطیه نبوت:** موعظه کلام از قبل نوشته شده خدا با هدایت روح القدس عطیه ای است که ایمانداران از خدا دریافت می‌کنند.
۲. **عطیه خدمت:** برای خدمت پیام انجیل و کمک کردن و خدمت رساندن به ایمانداران
۳. **عطیه تعلیم دادن:** تعلیم کلام خدا به دیگران
۴. **عطیه وعظ کردن:** موعظه کلام خدا در کلیسا و خارج از کلیسا

۵. **عطیه بخشنده:** بخشیدن پول و یا چیزهای دیگر به دیگران عطیه ایست که برخی ها دارند.
۶. **عطیه پیشوا (رهبر):** کسانی که در کلیسا خدمت و یا گروهی را رهبری و هدایت می کنند. کشیش رهبر و یا سرپرست کلیساست.
۷. **عطیه رحم کننده:** مهربانی و لطف کردن به دیگران. خوبی کردن و رسیدگی به نیازهای دردمندان.
۸. **عطیه ترجمه کردن زبانها:** ترجمه کردن موعظه و تعلیم کلام خدا از زبانی به زبان دیگر برای بنای کلیسا
۹. **عطیه حکمت:** دانستن علم الهی و راههای خداوند برای تصمیمات مهم زندگی.

هدف از عطایای غیر طبیعی

۱- **نشانه و علامت رسولان** . خداوند عطایای غیر طبیعی را به عنوان نشانه ای به پیامبران و رسولان داده بود که به آنها اعتبار می داد که آنها از سوی خداوند فرستاده شده اند. " بدرستی که علامات رسول در میان شما با کمال صبر از آیات و معجزات و قوات پدید گشت." دوم قرن نهم: ۱۲:۱۲

مثال: لباس سیاه نشانه شناخت نفر

۲- **نهادن اساس و بنیاد رسولان**. رسولان با عطایای غیر طبیعی اساس و بنیاد کلیسا را نهادند. بعد از اینکه اساس و بنیاد کلیسا گذاشته شد دیگر نیازی به بنیاد دیگر نبود. دیگر نیازی به آن عطایای موقتی نبود. " پس از این به بعد غریب و اجنبی نیستید بلکه هموطن مقدسین هستید و از اهل خانه خدا. و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است." افسسیان ۲: ۱۹-۲۰

اگر رسولان و پیامبران علامت و نشانه نداشتند از کجا مردم می توانستند بفهمند که آنها از سوی خدا فرستاده شده اند؟ معجزات و عطایای غیر طبیعی را خداوند فقط به پیامبران و رسولان داده بود تا مردم به رسول بودن آنها اعتقاد آورده به سخنان آنها به عنوان کلام خدا گوش گیرند و نوشته های آنها را به عنوان کتاب مقدس، قبول داشته باشند.

مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸ خطاب به چه کسانی بود؟ فقط به رسولان . در آیه های زیر خواهیم دید که رسولان، پیشگویی عیسی مسیح در مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸ را به کمال رساندند:

- اعمال ۲: ۴۳ "و معجزات و علامات بسیار از دست رسولان صادر می گشت."
- اعمال (۴: ۳۳) "و رسولان به قوت عظیم به قیامت عیسی خداوند شهادت می دادند و فیضی عظیم برهمگی ایشان بود." سوال : چه کسانی قدرت آن را دارند که بر برخاستن مسیح از مرگ شهادت دهند؟ فقط رسولان و نه تمامی مسیحیان زیرا که فقط رسولان شاهد عینی قیامت عیسی مسیح بودند.
- اعمال ۵: ۱۶-۱۲ "و آیات و معجزات عظیمه از دستهای رسولان در میان قوم به ظهور می رسید و همه به یکدل در رواق سلیمان می بودند.
- اعمال ۱۴: ۳ "و او آیات و معجزات عطا می کرد که از دست ایشان (پولس و برنابا) ظاهر شود."
- اعمال ۱۵: ۱۲ "پس تمام جماعت ساکت شده، به برنابا و پولس گوش گرفتند چون آیات و معجزات را بیان می کردند که خدا در میان امتهای به وساطت ایشان ظاهر ساخته بود"

- اعمال ۱۹: ۱۱ "و خداوند از دست پولس معجزات غیر معتاد به ظهور می رسانید،"
- اعمال ۲۸: ۳-۵ "چون پولس مقداری هیزم فراهم کرده، بر آتش می نهاد، به سبب حرارت، افعی ای بیرون آمده، بر دستش چسبید. چون بربریان جانور را از دستش آویخته دیدند، با یکدیگر می گفتند: "بلاشک این شخص، خونی است که با اینکه از دریا رست، عدل نمی گذارد که زیست کند." اما آن جانور را در آتش افکنده، هیچ ضرر نیافت."

چگونه بدانیم که هدایای غیر طبیعی تمام شده است؟

۱- کلام خدا پیشگویی کرد که هدایای غیر طبیعی (موقتی) تمام خواهد شد. اول قرن‌تین ۱۳: ۸-۱۳

منظور از واژه کامل در آیه ۱۰ کلام خداست. مزامیر ۱۹: ۷ و یعقوب ۱: ۲۵

هنگامیکه کلام خدا در ۹۶ میلادی کامل شد تمامی عطایای جزئی و موقتی نیست و نابود شد. زیرا که نیازی به آنها دیگر نبود. هنگامیکه بنی اسرائیل در بیابان سرگردان بودند خداوند از آسمان برای آنها به مدت چهل سال نان فرستاد اما به محض اینکه از رود اردن عبور کردند که وارد سرزمین کنعان شوند، نان آسمانی متوقف شد زیرا که دیگر در بیابان نبودند که نیاز به آن معجزه داشته باشند، بلکه به راحتی می توانستند در سرزمین شیر و شهد غذاهای متنوعی بدست آورند. معجزاتی که پیامبران و رسولان انجام دادند فقط برای اعتبار دادن به کلام و نبوت آنها بود و اینکه آنها از سوی خدا فرستاده شده بودند.

۲- تاریخ کلیسا اثبات می کند که آن عطایای موقتی با رسولان تمام شد.

نویسندگان اولیه کلیساها در کتابهای خود نوشتند که عطیه زبانها با از دنیا رفتن رسولان تمام و متوقف شد:

- **کریسوستم (Chrysostem)** واعظی بود که از ۳۴۷ تا ۴۰۷ میلادی می زیست. آنچه از زبانها در اول قرن‌تین اشاره شده، او اینگونه تشریح نموده: "این موضوع بسیار مهم است و ابهام آن از آنجا سرچشمه می گیرد که از بسیاری حقایق چشم می پوشیم و خود این موضوع نیز منسوخ گشته چیزی که قبلاً اتفاق می افتاده اما اکنون دیگر به پایان رسیده." (HOMILIES , XX1X,1)
- **آگوستین (Augustine)** حدود ۴۱۰ میلادی اظهار کرد که زبانها نشانه ای بوده که مطلقاً به زمان کتاب مقدس محدود می شود.
- **کلمنت رومی (Clement of Rome)** در سال ۹۶ میلادی به کلیسای قرنتس نامه ای نوشت و خواهان اصلاح همان مشکلاتی شد که پولس به آنها اشاره و اصلاح کرده بود کلمنت به تمام مشکلات اشاره کرده بود به جز زبانها چرا؟ چون زبانها در آن زمان از قبل منسوخ شده بود.
- **اورین (ORIGEN ۱۸۵-۲۵۴ میلادی)** با داشتن نگارش های مفصل و فراوان هیچ اشاره ای به این موضوع نکرد که زبانها و سایر عطایا و نشانه ها در زمره اتفاقات معمول هم زمان با او باشند.
- هیچ یک از **مبلغین و مبشرین معروف مسیحی** از جمله دی ال مودی، جان وزلی، هادسون تیلور، جان ویکلیف، جان هاس و غیره که میلیونها نفر را بشارت داده بودند، به زبانها سخن نگفتند.
- **عیسی مسیح** هرگز به زبانها سخن نگفت.

• عطایای معجزه آمیز فقط در اول قرن‌تین اشاره شده که یکی از اولین نامه‌هایی بود که در اوایل شروع کلیسا نوشته شد. اما در نامه‌های بعدی مانند افسسیان و کولسیان که چگونگی رفتار و زندگی مسیحی را بیان می‌کند هرگز به زبانها و معجزات اشاره نمی‌کند. پولس رسول در رساله شبانان (اول و دوم تیموتائوس و تیطس) هرگز به زبانها و عطیه معجزات اشاره نکرده و شبانان را تشویق به انجام آنها نکرده است.

• **پولس رسول از بیماری رنج می‌برد و سه بار دعا کرد و از خدا طلب شفا کرد اما خداوند او را شفا نداد. دوم قرتیان ۱۲: ۷-۱۰**

او نتوانست تیموتائوس (اول تیموتائوس ۵: ۲۳)، اپفردتس (فیلیپیان ۲: ۲۵-۲۶) و ترفیمس (دوم تیموتائوس ۴: ۲۰) که بیمار بودند شفا دهد زیرا قبلاً عطیه شفا متوقف شده بود.

پولس رسول در کلام خدا پیشگویی کرد که در ایام آخر دنیا کلیساهای دروغین بسیاری تأسیس خواهد شد که از کلام خدا منحرف شده، به تعالیم شیطان روی خواهند آورد. "و لیکن روح صریح می‌گوید که در زمان آخر بعضی از ایمان برگشته، به ارواح مضل و تعالیم شیاطین اصغا خواهند نمود،" اول تیموتائوس ۴: ۱

تاریخچه کلیسای پنطیکاست:

کلیسای پنطیکاست در اوایل قرن نوزدهم توسط عده‌ای در جاهای مختلف دنیا تأسیس شد.

ایروین که بنیانگذار کلیسای قدوسیت تعمید آتش بود، اعتقاد به سه برکات داشت، برکت نجات، برکت قدرت و برکت کاملیت (عاری از هر گناه). او پیروان خود را تشویق کرد که در تلاش باشند تا برای کاملیت و بی‌گناهی، تعمید آتش بگیرند. او خود را پیامبر می‌دانست و ادعای نبوت می‌کرد. او گفت که خداوند همیشه مریضان را با معجزات شفا خواهد داد اما چهار فرزندان او در سنین جوانی از دنیا رفتند.

جان دوئی موسس کلیسای زایان سیتی در سال ۱۹۰۰ میلادی در شمال شیکاگو ادعا کرد که او پدر کلیسای احیای شفاهاست. او خود را ایلینا می‌دانست. او دعا کرد که در نهایت تمامی انسانها بهشت خواهند رفت. او گفت که انسانها در هنگام نجات، شفا را هم دریافت می‌کنند. او دکترها و داروسازها را فرزندان شیطان می‌دانست. جان دوئی زمین بزرگی خرید و کلیسای بزرگی را بنا کرد و ورود دکترها را به کلیسا ممنوع کرد. دختر او نیز ادعا می‌کرد که دکترها فرزندان شیطان هستند اما خود او در حادثه آتش‌سوزی سوخت و این باعث سردرگمی کلیسا شد که چگونه دختر دوئی سوخته و نمی‌تواند شفا یابد.

خانم ماریا بیولا وود - وُرس اتر (۱۹۲۴-۱۸۴۴) در جنبش کلیسای پنطیکاست نقش بسزایی داشت. ایمانداران کلیساهای پنطیکاست اعتقاد داشتند که او از طرف خدا فرستاده شده است. خانم ماریا در تگزاس به مدت ۵ ماه کنفرانس شفا برگزار کرد. محور جلسات او از خود بیخودی، نبوت و غوغای همگانی بود. اغلب مواقع او از خود بیخود می‌شد و به مدت یک ساعت در حالت ایستاده دست خود را به سمت بالا نگاه می‌داشت. او نبوت دروغی درباره خرابی سانفرانسیسکو بوسیله زلزله عظیم را کرد که به حقیقت نرسید. او دعوت کلیسای مورمن را برای موعظه قبول کرد.

چارلز پرهام در ۱۹۰۰ کلیسا و کالج الهیات (مدرسه کتاب مقدس بیت نیل) را در توپکای کانزاس بنا کرد. او ادعا کرد که دعا کردن به زبانها نشانه و علائم تعمید یافتن در روح القدس است. در ۱۹۰۱ یکی از دانش‌آموزان خانم او به اسم آگنس اوزمن با دست نهادن بر او، شروع به صحبت کردن به زبانها کرد. ادعا شد که اوزمن به مدت سه روز به زبان چینی سخن گفت و نتوانست به زبان انگلیسی صحبت کند و در روز دوم به زبان بوهیمیان صحبت کرد. سپس بیشتر دانش‌آموزان دیگر نیز به زبانها صحبت کردند و سرود خواندند. چارلز گزارش داد که پروفیسورهای زبان و کسانیکه به چندین زبان مسلط بودند، زبانها را زبان رایج دنیا دانست اما خارج از کلیسا کسی به آن اعتقاد نداشت. روزنامه‌ها نوشتند که آن زبانها، زبانهای گیریش (نامفهوم) هستند. پرهام ادعا کرد که این پدیده همان دعا به زبانهاست که در اعمال باب دو آمده است. پیروان چارلز زبانهای سخن گفته شده را در کاغذی نوشتند اما با بررسی‌هایی که از آن خارج از کلیسا بوجود آمد، پی بردند که آن نوشته‌ها، خط و نوشته‌های نامفهومی بیش نیستند.

چارلز ادعا کرد که مسیونریها برای رفتن به تمامی اقصای جهان برای بشارت دادن نیاز به یادگیری زبان ندارند. هنگامیکه ای جی گار به هندوستان رفت و تلاش کرد که به مردم با زبان خارق العاده روح القدس سخن گوید، فهمید که نمی تواند با مردم ارتباط برقرار کند و منظور خود را به آنها برساند.

چارلز مجازات ابدی در دریاچه آتش را انکار کرد و اعتقاد داشت که بی ایمانان در نهایت نیست خواهند شد. او گفت که سیاهپوستان را خدا لعنت کرده است و نمی توانند نجات یابند و عروس مسیح شوند. او ادعا کرد که شفا و سلامتی حق یک ایماندار است و اینکه آنها نمی توانند بیمار شوند. اما یکی از پسران او در سن ۱۶ سالگی از بیماری رنج برد و از دنیا رفت. پسر دیگر او در سن ۳۷ سالگی از دنیا رفت. بیشتر بیمارانی که به کلیسای او می رفتند نتوانستند شفا یابند. یک دختر بچه نه ساله به اسم نتلی اسمیت در سال ۱۹۰۴ در ماه اکتبر از دنیا رفت و پدر او که از طرفداران چارلز پرهام بود از مصرف دارو و درمان برای دخترش امتناع کرد. مرگ آن دختر بچه باعث ضدیت نظریه جمیع مردم بر علیه چارلز پرهام شد. خود چارلز بارها بیمار شد و حتی نتوانست سفر کند و برای مردم موعظه کند.

ویلیام سیمور سیاه پوست آفریقایی یکی از شاگردان چارلز پارام بود. او گفت که اگر از روح القدس تعمید گیری حتماً به زبانها دعا خواهی کرد. او به کالیفرنیا سفر کرد و کلیسایی را در آنجا در ۱۹۰۶ تأسیس کرد که برای ۳ سال دوام داشت. او در سن ۵۲ سالگی بوسیله بیماری مهلک از دنیا رفت.

کمیته شیلوه توسط **فرانک سندفورد** در ۱۹۰۴ تأسیس شد. او تعلیم داد که خداوند قبل از اینکه بازگشت کند، هدایای رسولان را دوباره به ایمانداران خواهد داد. او ادعا کرد که همان ایلیاست که قبل از بازگشت عیسی باید می آمد. کسانی که از او تعمید نمی یافتند، بنا به ادعای او راهی جهنم بودند.

مری مارگارت مک دونالد که شبان کلیسایی در اسکاتلند بود به ایمانداران کلیسای خویش گفت که دعا کنید که خداوند عطیه زبانها را به شما دهد.

گروهی به اسم **شیکرز** بوجود آمدند و از آن گروه ان لی ظهور کرد و ادعا کرد که قسمتی از ماهیت زنانه خداست و همان مسیح بازگشت کننده است.

پرسیلا و مکسیمیلا که پنطیکاستی بودند ادعا کردند که اگر دعا کنند که فرشتگان بیایند و برای صبحانه آنها نیمرو درست کنند، فرشتگان خواهند آمد.

در سال ۱۹۶۰ میلادی **کریزماتیک** که بسیار کلیسای دنیوی هستند تأسیس شد، که به زبانها دعا می کردند. دنیس بنیت در کالیفرنیا کلیسا را تأسیس کرد و اعضای کلیسای او شروع به دعا کردن به زبانها کردند و در سال ۱۹۶۹ کلیسای کاتولیک از آنها خواهش کردند که دست خود را بر آنها بگذارند تا آنها نیز بتوانند به زبانها سخن گویند که این کار صورت گرفت.

در سال ۲۰۰۲ تخمین زده شده که حدود ۱۹۰ میلیون ایمانداران کلیسای کاتولیک در ۲۳۰ کشور دنیا به زبانها دعا کنند. حتی کلیساهای پروتستان گفتند که کلیسای پنطیکاست از طرف خدا نیستند.

بسیاری از ایمانداران پنطیکاست مانند سایر کلیساهای انسانی خوب و با خدای هستند و بسیاری از آنها بشارت نیز می دهند اما آنها در تعالیم و الهیات در اشتباه بزرگی هستند.

خاتمه: خداوند از ما می خواهد که در تعالیم کتاب مقدس بمانیم و به تجربه و خواب و خیالات روی نیاوریم. "تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که برزندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می دهم و به ظهور و ملکوت او که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی با کمال تحمل و تعلیم. زیرا ایامی می آید که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد، بلکه بر حسب شهوات خود خارش گوشها داشته، معلمان را بر خود فراهم خواهند آورد، و گوشهای خود را از راستی برگردانیده، به سوی افسانه ها خواهند گرایید." دوم تیموتائوس ۴: ۱-۴

چه واکنشی در برابر کلیسای پنطیکاست نشان دهیم؟ " لکن ای برادران از شما استدعا می کنم آن کسانی را که منشا تفاریق و لغزشهای مخالف آن تعلیمی که شما یافته اید می باشند، ملاحظه کنید و از ایشان اجتناب نمایید." رومیان ۱۶: ۱۷